

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

# אגדה קלדה

יקרא

جهت مفا قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

3 نیسان 5780

## גفتארי روش נג

رنجش شخصی نشد و حق دیگران را ضایع نمود. زیرا خد-اوند ، حیوانات را برای استفاده شخصی ما آفریده و شخصی که حیوانی را به عنوان قربانی تقدیم می‌نماید ، خد-اوند برای او میصوا حساب می‌کند ، ولی با این حال ، شخصی که قربانی‌اش باعث رنجش هیچ حیوانی نمی‌شود ، در نزد خد-اوند محبوب‌تر است. پس صد البته هنگام انجام میصوا نباید برای هیچ انسانی مزاحمت ایجاد نمود یا حق او را ضایع کرد ، انسانی که به صورت -الهی آفریده شده ، حق استفاده از او را نداریم.

مورد اساسی دیگر در انجام میصوا شور و شوق و در میصوا و انجام میصوا بدون درنگ است. هم چنان که می‌دانیم ، قبل از تقدیم قربانیها ، خد-اوند دستور داد تا میشکان را ساخته و در پاراشای و یقه‌ل توراہ توضیح می‌دهد که چگونه قوم ییسرائل موارد لازم برای ساخت میشکان را آوردند ، طلا ، نقره ، مس ، پارچه‌های رنگی ، چوب و غیره و در انتها ، توراہ می‌فرماید وزیران نیز سنگهای قیمتی را آوردند. ولی در پاراشای ناسؤ ، توراہ توضیح می‌دهد که بعد از ساخته شدن میشکان، وزیران اسباط فوراً دست به کار شدند و برای افتتاح میشکان هدیه آوردند. راشی در این باره می‌پرسد: چرا برای ساختن میشکان، وزیران اسباط آخر هدیه آوردند ولی برای افتتاح میشکان، فوراً دست به کار شدند و قبل از همه هدیه آوردند؟

راشی در پاسخ می‌فرماید: "ابتدا وزیران اسباط با خود گفتند: بگذارید قوم ییسرائل هر چه می‌خواهند بیاورند و هر چه کم بود ، ما تکمیل می‌کنیم ، ولی قوم ییسرائل همه موارد را آوردند و دیگر موردی برای ساخت میشکان لازم نبود و وزیران اسباط ، به ناچار سنگهای قیمتی را آوردند. چون وزیران اسباط سستی نموده و در ساخت میشکان هیچ سهمی نداشتند ، به همین جهت ، برای افتتاح میشکان زودتر از همه دست به کار شده ، فوراً هدیه آوردند."

میشنا در فصول پدران می‌فرماید:

"و کارگران تنبل هستند و مزد بسیار است"

در این پاراشا درباره قربانی مینخا می‌خوانیم که از آرد بود و توراہ در این باره می‌نویسد: "و جانی که مینخا تقدیم کند". راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد: فقط درباره قربانی مینخا است که توراہ نوشته است: "و جانی که تقدیم کند". چون فقط شخص فقیر است که قربانی آردی می‌آورد و خد-اوند برای او حساب می‌کند که انگار جان خویش را تقدیم نموده است.

گمارا در مسخت کریتوت توضیح می‌دهد برای قربانی مینخا چقدر لازم بود آرد ، روغن زیتون و لبونا بیاورند. هخاتم سوfer در این باره می‌پرسد: "کل این موارد گراتر از یک گاو ، گوسفند و یا کبوتر می‌باشند. پس اگر کسی چنین قربانی می‌آورد حتماً ثروتمند است و توانایی دارد ، پس چرا راشی چنین تفسیری می‌نماید؟"

وی در پاسخ می‌فرماید: "بلکه این شخص این آرد ، روغن زیتون و غیره را نمی‌خرد ، بلکه از هدایایی که دریافت می‌نماید (به مانند گندم فراموش شده در مزرعه یا کمی گندم که در گوشه‌ای از مزرعه که برای شخص فقیر کنار می‌گذارند) این قربانی را می‌آورد و در اصل از غذا و شکم خود چشم پوشیده تا بتواند برای خد-اوند قربانی بیاورد و به همین جهت خد-اوند برای او حساب می‌کند انگار جان خویش را تقدیم نموده است.

در کتاب "اوزنییم لتوراہ" نیز توضیح آمده است:

شخصی که گاو ، گوسفند و یا کبوتر می‌آورد ، باعث می‌شود به دلیل خطایی که انجام داده این حیوانات زجر بکشند ، ولی شخصی که قربانی آردی می‌آورد ، باعث زجر هیچ حیوانی نمی‌شود.

حال این شخص با قربانی خویش مزاحم هیچ فردی نمی‌شود ، هیچ حیوانی را آزار نمی‌دهد و برای انجام رضای خد-اوند از مایحتاج خود کم می‌کند. به همین سبب خد-اوند قربانی او را دوست دارد و برای وی حساب می‌کند که انگار جان خود را تقدیم نموده است.

این مورد یک پایه و اساس در انجام میصواها را می‌آموزاند و آن این که تا جایی که امکان دارد ، باید سعی نمود هنگام انجام میصواها باعث

اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (رای ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

”مثل ببر سرسخت و مثل عقاب سبک باش تا رضای خد-اوند را انجام دهی.“ به این منظور که اگر انسان در انجام میصواها و آموزش توره با سرسختی و سریع عمل نماید، می‌تواند از سستی در میصواها نجات پیدا نماید.

علاوه بر این میصوهای که انجام می‌دهیم، بر دیگران نیز تأثیر گذارده و دیگران نیز از ما یاد می‌گیرند. به همین جهت باید بدون سستی و با اشتیاق وافر مشغول انجام میصواها و آموزش توره شویم.

ربنو یونا در تفسیر این مورد می‌نویسد:

”منظور از کارگران، بنی‌آدم هستند که در آموزش توره سستی می‌نمایند و حتی عالمان توره نیز گاهی در آموزش توره کاهلی می‌کنند چون طبیعت انسان رو به تنبلی می‌رود و هیچ فردی نمی‌تواند از این تنبلی فرار نماید.“

به همین دلیل هم فصول پدران در ادامه می‌نویسد:

## قربانیها

تفیلائی شخریت مطالب قربانیها را ذکر می‌نماییم، مطلب را می‌فهمیم. چرا که قرائت بدون فهم تقریباً هیچ فایده‌ای ندارد.

علاوه بر این نیز باید سعی نمود و به موقع برای تفیلا خواندن به کنیسا آمده تا بتوان مطالب مربوط به قربانیها را که قبل از متن تفیلا تعیین شده را با دقت بخوانیم و این برای ما حساب می‌شود که خود قربانی را تقدیم نمودیم و بدون گناه تفیلا خواندیم.

مورد دیگر این که در ماه نیسان قرار داشته و همگی مشغول تمیز کردن خانه از خامص هستیم و همیشه تلاش می‌کنیم تمام مکانها را به بهترین صورت تمیز نماییم. این مورد باعث فشار و عصبانیت می‌شود. به سبب فشار کار، همیشه غذا سر وقت حاضر نیست و یا به غذای سر پای می‌خوریم و این نیز دلیل دیگری برای عصبانیت است و فرزندان بیشتر از همه این مورد را تحمل می‌کنند. پس لازم است در این ایام پر استرس و پر کار، خونسردی خویش را حفظ نموده و سعی نماییم عصبانی نشویم و بر سر یکدیگر داد و فریاد نزنیم. اگر گوشه‌ای از خانه براق نشود، مرتکب هیچ گناهی نمی‌شویم، ولی وقتی فرد عصبانی می‌شود، نشامای مقدس را از خود دور نموده و گناه بزرگی مرتکب می‌شود. گناه عصبانیت آنقدر زیاد است که حتی برای انجام میصوا نیز نباید عصبانی شد.

ربی خیم ویطال روحش شاد، شاگرد هاآری زال تعریف می‌نمود گاهی وقتی به برادر خویش توره یاد می‌داد، از دست برادر خود عصبانی می‌شد چون حس می‌کرد برادرش آن چنان که باید و شاید در آموزش توره تلاش نمی‌کند. ولی هاآری زال به او نصیحت نمود و فرمود حتی برای آموزش توره نیز نباید عصبانی شد و باید با صبوری توره را به دیگران آموزاند.

ما نیز مشغول نظافت و انجام تدارکات موعده هستیم، باید با صبوری این میصواها را انجام داده و سعی کنیم عصبانی نشویم، حتی اگر فکر می‌کنیم فرزندان، آن چنان که باید همکاری نمی‌کنند و یا به مکانی که تمیز شده، دوباره خامص می‌برند و باید دوباره آن مکان را تمیز نمود. برای جلوگیری از عصبانیت باید به یاد داشت که گناه عصبانیت از گناه خامص سنگین‌تر است و هم چنان که از خامص دوری می‌کنیم، از عصبانیت نیز باید دوری جست.

کتاب وییقرا دربارهٔ مسائل قربانیها صحبت می‌نماید. دانشمندان توره فرموده‌اند هر کس مشغول آموزش مطالب قربانیها می‌شود، انگار همان قربانی را تقدیم نموده و به همین سبب هر روز صبح، قبل از قرائت متن قربانیها می‌گوییم: ”خد-اوندا باشد رضای تو که انگار گاوهای قربانی را با گفتارمان تقدیم نمودیم“

زیرا به سبب گناهانمان بیت‌همیقداش ویران است و دیگر شخص کهنی نیست که با تقدیم قربانی، گناهان ما را کفاره نماید.

لازم است شهر یروشالیم را قبل از ویرانی تصور نماییم. در بیت همیقداش، هر صبح و هر بعد از ظهر قربانی دایمی تقدیم می‌شد، قربانی دایمی صبح، تمام گناهان شب را کفاره می‌کرد و قربانی تامید بعد از ظهر گناهان از صبح تا شب را کفاره نموده و به این صورت امکان نداشت در شهر یروشالیم شخصی آلوده به گناه، سر بر روی بالش بگذارد.

اگر شخصی هم گناهی انجام داده بود، قربانی مربوط به گناه خویش را می‌آورد و در هنگام تقدیم قربانی می‌کرد و به این صورت از هر گناهی پاک می‌شد.

میدارش در این باره تعریف می‌کند:

اوراهام آوینو از خد-اوند پرسید: ”اگر فرزندانم خطا نمایند چگونه می‌توانند گناهان خویش را کفاره کنند؟“

خد-اوند در پاسخ فرمود: ”قربانیهایی که تقدیم می‌کنند گناه آنها را کفاره خواهد نمود.“

اوراهام آوینو فرمود: ”خوب، تا موقعی که بیت‌همیقداش باشد، قربانیها، گناهان را کفاره می‌کنند، ولی اگر بیت‌همیقداش ویران شود، آنها چگونه می‌توانند گناه خویش را کفاره نمایند؟“

خد-اوند در پاسخ فرمود: ”آنها می‌توانند به آموزش مطالب توره که دربارهٔ قربانیها صحبت می‌نمایند مشغول شوند و من برای آنها حساب می‌کنم انگار خود قربانیها را تقدیم کرده‌اند.“

حال که کتاب وییقرا را آغاز می‌کنیم، لازم است برای آموزش مطالب قربانیها بیشتر وقت گذارده و حداقل خود پاراشا را با تفسیر راشی بیاموزیم تا بفهمیم چگونه هر قربانی را تقدیم می‌کردند و هر قربانی به چه دلیلی آورده می‌شد. بدین صورت، وقتی پاراشا را می‌خوانیم و در

باشد رضای خد-اوند که به زودی מזקי به נجات کامل شده و قربانی

## קוואנין אמאדע קרדן זרופ פאר די פסח

- |  |  |
|--|--|
| <p>6. סאפי: בה סחתי קאבל תמیز ו קאשר שדן אסט ו בהטר אסט אז סאפי מכווס פסח אסטאדע שוד.</p> <p>7. ורדנע: אגר טרק ו שכאפ נדאשטע באשד בא פרו ברדן דר אב גוש זרפ אול (הגללה) קאשר מי שוד, אמה אגר טרק יא שכאפ דאשטע באשד נבאיד דר פסח אז אן אסטאדע שוד זיירא תמیز קרדן אן תרריבא גייר ממکن אסט.</p> <p>8. פוסט קן: קה מכווס מיوه ו טרה באר אסט בא שסטן בא אב معمولי קאשר מי שוד.</p> <p>9. גא זרפי ו גאקאשקי: בא שסטשו תוסט אב معمولי קאשר מי שונד.</p> <p>10. זרפ נטילא: בא שסטשו בא אב סרד معمولי קאשר מי גרדד.</p> <p>11. אלק: בא תמیز קרדן ו שסטשו י קוב קאשר מי שוד ו באיד קאמלא אז באקימאנדע הוי ארד פאק שוד.</p> <p>12. קארד ו פאקו: אגר פראי גזאי סרד אסטאדע שדע באשד, בא פרו ברדן דר אב גוש זרפ אול קאשר מי גרדד.</p> <p>13. קטאביה: ברخی רסמ דארנד קה קיבל אז פסח קטאביה רא בררסי ו תמیز מי קננד אמה אכולא ניזאי בה אינ קאר דר הלאחא זכר נשדע אסט אמה בה הר גיבת קטאביה ו סידורهاي קה معمولא בר סר מייז גזא אורדע מי שונד מונד דעאהוי בעד אז גזא ו אשאר שבת רא דר פסח נבאיד מורד אסטאדע קרר דאד.</p> <p>14. מייז פורמיקא: בא ריختן אב גוש אז זרפ אול בר סطح אן קאשר מי שוד, אמה אגר אכמאל זרבא שדן אן גוד דארד, תמیز שסטע שדע ו רוי אן רומיזי יא ספרה מכווס פסח אנדאכטע שוד.</p> <p>15. דר באז קן: קה פראי באז קרדן קנסרו יא بطריה אסטאדע מי שוד בא תמیز קרדן קמול ו שסטשו בא אב معمولי קאשר מי שוד.</p> <p>16. פלאטאי שבת: בא ריختן אב גוש אז זרפ אול בר סطح אן קאשר מי שוד. (ברخی עלוה בר אינ קאר סطح אן רא בא קאגז אלמיניומי ניז מי פושונד).</p> <p>17. פלאסק אב גוש: בא ריختן אב גוש אז זרפ אול קאשר מי גרדד ו אגר פקט פראי אב גוש אסטאדע שדע ו תמאס בא זאמס נדאשטע, קאפי אסט קה בא אב معمولי שסטע שוד.</p> | <p>18. זרופ פניני: זרופ פניני, זרופ ספאלי לעאב דאר هستנד יא מכלוטי אז ספאל ו מואד דיגר סאכטע שדעאנד ו מונד זרופ ספאלי هستנד יעני אגר אסטאדע אנהא בא גזא יא מיעאט קרמ בוודע אסט, בה הייג פריקי נמי תואן אנהא רא קאשר ו קאבל אסטאדע פראי פסח נמוד ו אגר אסטאדע אנהא בא מואד גזאי סרד בוודע אסט, קאפי אסט אנהא רא בא אב סרד קוב שסטשו דאד ו אגר מאדע זאמס בה מדת בייסט ו פאר שעת דר אנהא באקי מונדע באשד, פריקה קאשר קרדן אנהא בה אינ פריק אסט קה זרפ מורד נזר רא פר אז אב סרד קרדע ו באקי מי גזארימ תא בייסט ו פאר שעת דר אן באקי במונד ו ספס אן רא זאלי נמודע דוברه בא אב معمولי פר מי קנימ תא מגדדא בייסט ו פאר שעת במונד ו בעד זאלי מי קנימ ו אינ עמל רא سه מרטה פשת סר هم תکرار מי קנימ.</p> <p>19. תאבה תפלון: בדליל אינקה בדון רוגן هم אז אן אסטאדע מי שוד ו حرارت אן בלא מי רוד נמי תואן אן רא פראי פסח קאשר נמוד. אמה אגר עאד דארד קה בא רוגן אז אן אסטאדע נמאיד, פריקה קאשר קרדן אן פרו ברדן דר אב גוש זרפ אול מי באשד. (הגללה).</p> <p>20. זרפשווי אשיזחאנע: אב גוש רא אז זרפ אול בר אן ו קנאר הוי אן מי ריזימ ו קאפי אסט. ברخی רסמ דארנד קה קאליי פלאסטיקי מכווס ניז דר אן קרר מי דענד ולי זאגב ניסט.</p> <p>21. סנדלי הוי: גאחי אוקאט מואד גזאי רוי סנדלי מי ריזד יא מי אפט ו באיד תמیز ו פאק שונד.</p> <p>22. תרזוי אשיזחאנע: ו סאיר תרזוהוי מואד גזאי בא תמیز קרדן קאשר מי שונד.</p> <p>23. מסואק: בא שסטן ו אבכשי קוב בא אב معمولי קאשר מי שוד ו זיילי קוב אסט קה אז מסואק מכווס פסח אסטאדע נמוד.</p> <p>24. נמקדאן: בא שסטן תוסט אב معمولי קאשר מי שוד.</p> <p>25. זרפ מכווס נמק קרדן גוש: בא שסטשו בא אב معمولי קאשר מי שונד אמה בהטר אסט רוי אנהא אב גוש אז זרפ אול ריכטע שוד ו זרופ מכווס זיסונדן גוש קיבל אז נמק קרדן, בא שסטשו בא אב معمولי קאשר מי שונד.</p> |
|--|--|

## תפילאי ואקעי

מזרע דארי גאוהוי זויש רא רהא נמוד תא אנהא בה פרא ברונד. מרדמ דה אמה ו בה קדחא גקנטד גאוהוי מזרע דאר וארד מזרע הו שדעאנד. אן קדחא פורא דסטור דאד תא גאוהו רא גרפנע ו דר אחר זנדאני קננד. זנדגי אן מזרע דאר תירע ו תאר שד. אן גאוהו תמא דאר ו נדאר או בוונד. פה קאר מי תואנט בכנד תא תואנד גאוהו רא ברגרדאנד? קדחא שזכס זורמנדי

המישה אינ סואל מטרח מי שוד: אגר קאר דר בית המקדש תמא גנאהן רא קפארע מי קרד, פס פרא קום ישאל מוזאזאט שדנד ו בה גרבת רפטנד ו בית המקדש ויראן שד, מگر נה אינ קה בא אורדן קרבני באיד בווד גנאהן אנהא קפארע גרדד? מי תואן פאזכ אינ סואל רא בא מואלי בייא נמוד.

، مزارع جناب کدخدا را لگدمال کردند و کدخدا ، گاوهایش را تصاحب نمود. ولی آن شخص سبدی میوه آورد و گاوهای خود را آزاد کرد. ولی من که درست همین کار را کردم ، جناب کدخدا دستور داد تا با میوه‌هایم سنگسارم کنند، گاوهایم را تصاحب کردند و خود را به زندان می‌اندازند. پس صداقت و عدالت کجاست؟!

خادمان ایستادند و منتظر شدند تا کدخدا جواب مزرعه‌دار را بدهد. کدخدا پاسخ داد: چه موردی نامفهوم است؟ گاوهایت به مزرعه من ، ضرر وارد کردند و این حق من می‌باشد تا آنها را تصاحب کنم. دوست تو به نزد من آمد و فهمید تا چه حد مقصر می‌باشد. او از این عمل متأثر شد و قول داد دیگر این عمل تکرار نشود. آن شخص معذرت‌خواهی نمود و به عنوان هدیه ، سبدی میوه آورد. او را بخشیدم و گاوهایش را آزاد کردم. ولی تو مثل اینکه صاحب مزرعه می‌باشی ، گاوهایت را رها کرده و پس از این که گاوهایت دستگیر شدند ، آمدی و با آوردن سبدی میوه احساس کردی که صاحبخانه می‌باشی و گاوهایت را بردی... به همین سبب می‌خواهم به تو بفهمانم ، صاحبخانه واقعی چه کسی می‌باشد.

همچنین قربانیها بدین سبب می‌باشند که بوسیله آنها خود را تسلیم پروردگار نشان دهیم و از او درخواست بخشش کنیم. اگر قربانی به این صورت آورده شود ، پس موجب افزایش رحمت در آسمان شده و به اینگونه به پدر آسمانی خود نزدیک می‌شویم و گناهانمان بخشیده می‌شوند. ولی اگر کسی فکر کند بوسیله آوردن قربانی، می‌تواند هرکاری که می‌خواهد بکند، در باره او آمده است: "پروردگار فرمود قربانیهای زیاد شما چه فایده‌ای برای من دارند (کتاب یحشیا ، فصل اول).

حتی برعکس ، در این صورت قربانیها موجب خشمگین شدن پروردگار می‌شوند. در دوره ما تفیلا خواندن بجای قربانی آوردن می‌باشد. انسان در موقع خواندن تفیلا باید متواضع بوده و بزرگی پروردگار را جلوی چشم داشته باشد. زیرا پروردگار تفیلا می‌شنود ، کسانی که واقعاً به درگاه او تفیلا می‌خوانند و از ته قلب او را صدا می‌زنند.

بود و کسی نمی‌توانست حرف او را نادیده بگیرد. آن مزرعه‌دار با دوست خود مشورت کرد. دوستش به او گفت: درست همین هفته پیش ، گاوهای یکی از اهالی ده نیز وارد مزرعه‌های کدخدا شدند و کدخدا گاوها را زندانی نمود. آن شخص به نزد کدخدا رفت مقداری میوه را به عنوان هدیه به کدخدا داد و از او معذرت خواهی نمود. کدخدا او را بخشید و گاوهایش را پس داد. شخص مزرعه‌دار خوشحال شد. فوراً سبدی بزرگ را از میوه پر نمود و به نزد کدخدا رفت. سبب میوه را به خادم کدخدا داد و خادم کدخدا میوه‌ها را گرفت و در گوشه‌ای نهاد. آن شخص نیز با خوشحالی به طرف آخور رفت. مسؤل آخور که فکر کرد شخص مزرعه‌دار با کدخدا کنار آمده ، گاوهای او را آزاد نمود و شخص مزرعه‌دار گاوها را به خانه‌اش برد. بعد از ساعتی کوتاه کدخدا به خانه آمد و چشمش به سبب میوه خورد. از خادمش پرسید که این سبب میوه چه می‌باشد؟

خادم جواب داد: شخص مزرعه دار آمد و این سبب را آورد و گاوهای خویش را آزاد نمود و برد. کدخدا عصبانی شد و با خشم گفت: چقدر پررو ، فوراً به نزد او بروید و او را با میوه‌هایش سنگسار کنید و گاوهایش را بیاورید.

خادمان کدخدا به نزد مزرعه‌دار آمدند و شادی‌اش را به عزا تبدیل نمودند. گاوهایش را برده و دستانش را از پشت بستند تا با میوه‌هایش او را سنگسار نمایند. مزرعه‌دار با التماس خواهش نمود تا آنها از این کار دست بردارند. شخص مزرعه‌دار گفت: حتماً اشتباهی پیش آمده ، من صداقت خود را ثابت می‌کنم. مرا پیش کدخدا ببرید تا همه چیز روشن شود و ببینید که حق با من می‌باشد.

خادمان نیز او را به نزد کدخدا بردند. وقتی کدخدا او را دید، بسیار عصبانی شد و دستور داد تا مزرعه‌دار را زندانش کنند. مزرعه‌دار را فوراً دستگیر کردند و به طرف زندان بردند. شخص مزرعه‌دار فریاد زد: پس عدالت کجاست؟ درست همین هفته پیش بود که گاوهای فلان شخص

## قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه وجود دارد:

\* **یرهوشالییم:** بازار مفتحه یهودا ، فیابان אפרסק ، فروشگاه آقای یوسف کهن ۵۸۵۸۳۶۹۵۵

\* **یرهوشالییم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ ، فروشگاه آقای فرجیان

\* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۵۴۹۳۷۸۲۸۱

\* **فولون:** בית הכנסת צעירי איראן ، בית הכנסת מגן דוד \* **کفرسابا:** آقای موטי کهن ۵۲۳۵۶۱۵۲۹

\* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان ۵۲۸۶۸۶۸۸۶ \* **بیطار:** آقای نورانی ۵۴۸۱۴۲۸۹۳۶

\* **تارنمای:** <http://www.ladaat.info/gilyonot.aspx?view=1>